https://mph.ui.ac.ir
Metaphysics
University of Isfahan E-ISSN: 2476-3276
Vol. 18, Issue 1, No. 41, 2026

(Research Paper)

How Does Engagement with Artistic Beauty in Kant's Philosophy Lead to Moral Action in Individuals

Milad Olfat *
Department of Art Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.
m.olfat@cfu.ac.ir

Rezvaneh Sadat Hoseini
MA in Philosophy of Art, Department of Philosophy of Art, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
rezvaneh.hoseini@gmail.com

Abstract
This paper examines the relationship between aesthetics and morality in Immanuel Kant's philosophy, asking whether the experience of beauty—particularly in art—can lead to moral action. In the *Critique of Judgment* (1790), Kant conceives the realm of beauty as autonomous from the sphere of morality, emphasizing that judgments of taste must be "disinterested," free from desire, utility, or moral obligation. Nevertheless, he establishes an indirect connection between aesthetic experience and moral capacity, a relation explicable through the concept of "purposiveness without purpose." The central question of the paper is how this independence and, at the same time, this correlation can be understood within Kant's system of thought. Through an examination of the distinction between "free beauty" and "dependent beauty," and by engaging interpretations such as Wenzel's (2005), the study argues that artistic beauty—especially in its dependent form—can serve as a symbol of the moral law and prepare the mind for the reception of moral ideas. However, from Kant's perspective, while aesthetic experience may facilitate moral motivation, it is not a sufficient condition for moral action, since morality is grounded in the autonomy of the will and the conscious commitment to the rational law. The paper concludes that artistic beauty in Kant's philosophy functions as a mediating symbol: not a direct cause of moral action, but a domain that nurtures moral sensitivity and cognitive readiness toward ethical understanding.

Keywords: Kant, Artistic Beauty, Morality, Dependent Beauty, Purposiveness without Purpose, Free Harmony.

* Corresponding Author

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

10.22108/mph.2025.145640.1647

دوفصلنامه علمی متافیزیک

دوره ۱۸، شماره اول (پیاپی ۴۱)، ۱۴۰۵ ص ۱۴۵ – ۱۳۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۳/۲۳ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۳

(مقالهٔ پژوهشی)

چگونه در فلسفهٔ کانت پرداخت به زیبایی هنری منجر به اخلاقی عمل کردن فرد می‌شود؟

میلاد الفت *، گروه آموزش هنر، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹–۱۴۶۶۵ ، تهران، ایران.

m.olfat@cfu.ac.ir

رضوانه‌السادات حسینی، کارشناسی ارشد فلسفه هنر، گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

rezvaneh.hoseini@gmail.com

چکیده

این مقاله رابطهٔ میان زیبایی‌شناسی و اخلاق در فلسفهٔ ایمانوئل کانت را بررسی می‌کند و می‌پرسد آیا تجربهٔ زیبایی، به ویژه در هنر، می‌تواند به عمل اخلاقی منجر شود. در *نقد قوهٔ حکم* (۱۷۹۰)، کانت قلمرو زیبایی را مستقل از حوزهٔ اخلاق می‌داند و تأکید می‌کند حکم ذوقی باید «بی‌علقه» باشد و از هر گونه میل، سود، یا الزام اخلاقی جدا بماند. با این حال، او میان تجربهٔ زیباشناختی و قوهٔ اخلاقی پیوندی غیرمستقیم برقرار می‌کند که به واسطهٔ مفهوم «غایت‌مندی بدون غایت» قابل تبیین است. پرسش محوری مقاله این است که چگونه می‌توان این استقلال و در عین حال، همبستگی را در اندیشهٔ کانت فهم کرد. در این راستا، با بررسی تمایز میان «زیبایی آزاد» و «زیبایی مقید» و تحلیل دیدگاه‌هایی همچون تفسیر ونزل (۲۰۰۵)، نشان داده می‌شود زیبایی هنری، به ویژه در شکل مقید خود، می‌تواند نمادی از قانون اخلاقی باشد و ذهن انسان را برای پذیرش ایده‌های اخلاقی آماده کند. با وجود این، از دیدگاه کانت، این تجربه هرچند انگیزش اخلاقی را تسهیل می‌کند، شرط کافی برای تحقق عمل اخلاقی نیست؛ زیرا اخلاق بر خودآیینی اراده و التزام آگاهانه به قانون عقلانی استوار است. نتیجه آن است که تجربهٔ زیبایی هنری در فلسفهٔ کانت نقشی واسطه‌گر دارد: نه منشأ مستقیم عمل اخلاقی، بلکه بستری برای پرورش حساسیت و آمادگی ذهنی نسبت به اخلاق.

واژگان کلیدی: کانت، زیبایی هنری، اخلاق، زیبایی مقید، غایت‌مندی بدون غایت، هماهنگی آزاد.

* نویسنده مسئول

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

10.22108/mph.2025.145640.1647

۱- مقدمه

فلسفهٔ کانت یکی از مهم‌ترین نظام‌های فکری است که رابطهٔ میان زیبایی‌شناسی و اخلاق را به صورت نظام‌مند بررسی کرده است. در *نقد قوهٔ حکم*، کانت زیبایی را به عنوان پلی میان حوزهٔ طبیعت (حسی) و آزادی (عقلانی) معرفی می‌کند. او با صراحت زیبایی طبیعی را نمایشگر نمادین تصورات اخلاقی می‌داند. برای مثال، می‌گوید رنگ سفید زنبق‌ها در ذهن تصوری از معصومیت ایجاد می‌کند و هفت‌رنگ رنگین‌کمان از قرمز تا بنفش به ترتیب تصوری از والایی، جسارت، صراحت، دوستی، فروتنی، ثبات و عطوفت را القا می‌کند. همین امر باعث می‌شود کسی که به زیبایی‌های طبیعی توجه دارد، شخصی اخلاقی‌تر باشد.

در این مقاله، با تمرکز بر زیبایی هنری، این پرسش مطرح می‌شود که آیا تجربهٔ زیبایی هنری نیز می‌تواند فرد را به عمل اخلاقی سوق دهد. در پاسخ، ابتدا مفاهیم کلیدی زیبایی آزاد و مقید در فلسفهٔ کانت بررسی می‌شوند، سپس تأثیر زیبایی طبیعی و هنری مقایسه و دیدگاه ونزل[1] دربارهٔ زیبایی مقید تحلیل می‌شود. نسبت زیبایی هنری و زیبایی مقید بررسی می‌شود و در نهایت، سطوح مختلف رابطهٔ زیبایی و اخلاق تحلیل خواهند شد.

۲- پیشینهٔ پژوهش

رابطهٔ زیبایی و اخلاق در فلسفهٔ کانت موضوع بحث‌هایی متعدد بوده است. آلیسون استدلال می‌کند زیبایی به مثابهٔ سمبل اخلاق - اگرچه بدون نقض و بی‌علقهٔ اخلاقی یا مطبوع به زیبایی آن حکم شده است - احساس اخلاقی را پرورش می‌دهد (Allison, 2001). گایر بر نقش زیبایی در پرکردن شکاف طبیعت و آزادی تأکید دارد (Guyer, 1990, p. 140). کوهن زیبایی را نمادی از آزادی اراده می‌داند.

در میان پژوهشگران ایرانی، ماحوزی (۱۳۸۸) گذر از طبیعت به آزادی را از منظر غایت‌مندی طبیعت بررسی کرده است. سلمانی و شاملو (۱۳۹۱) نیز به شباهت‌های زیبایی و اخلاق در فلسفهٔ شیلر اشاره کرده‌اند که با کانت مرتبط است. پژوهش آنها پیوند میان زیبایی‌شناسی و اخلاق در فلسفهٔ فریدریش شیلر را بررسی می‌کند که به طور غیرمستقیم با دیدگاه کانت مرتبط است. شیلر، با الهام از مفهوم بی‌علقگی زیبایی‌شناختی کانت، زیبایی را به عنوان ابزاری برای پرورش حس اخلاقی و ارتقای هماهنگی درونی فرد معرفی می‌کند. شیلر بر نقش هنر در ایجاد تعادل میان عقل و احساس تأکید دارد که این امر به تقویت عمل اخلاقی کمک می‌کند. اگرچه این مقاله بر شیلر متمرکز است، شباهت‌های مفهومی میان دیدگاه شیلر و کانت (مانند نقش زیبایی در تسهیل اخلاق) زمینه‌ای برای مقایسه با پرسش اصلی این پژوهش فراهم می‌کند (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۹)، نسبت اخلاق و زیبایی را در فلسفهٔ کانت بررسی کرده؛ اما به طور خاص به زیبایی هنری در چارچوب کانتی توجه نکرده است. تمرکز بر زیبایی هنری و تأثیر آن بر عمل اخلاقی هدف این نوشتار است.

۳- زیبایی آزاد و مقید در فلسفهٔ کانت

کانت در *نقد قوهٔ حکم* (§۱۶) زیبایی را به دو نوع آزاد[2] و مقید[3] تقسیم می‌کند و اولین بار در همین بحث به ارتباط زیبایی و اخلاق اشاره می‌کند. زیبایی آزاد، مانند زیبایی یک گل یا منظرهٔ طبیعی، مستقل از مفاهیم خاص است و فقط به هماهنگی قوای شناختی (خیال و فاهمه) وابسته است. زیبایی مقید، مانند زیبایی یک اثر هنری یا یک ساختمان، به مفهوم یا هدفی خاص وابسته است. کانت استدلال می‌کند زیبایی آزاد حس بی‌علقگی را تقویت می‌کند، در حالی که زیبایی مقید با اهداف انسانی پیوند دارد. و فقط زیبایی مقید است که به واسطهٔ ماهیتش می‌تواند با اخلاق ارتباط داشته باشد. بنابراین، کانت اگرچه مستقیماً از تأثیر زیبایی هنری بر اخلاق سخن نگفته، با قراردادن زیبایی هنری

[1] Wenzel
[2] free beauty
[3] dependent beauty

ذیل بحث زیبایی مقید و ثابت‌شدن ارتباط عمیق زیبایی مقید و اهداف انسانی و اخلاقی، بر ارتباط زیبایی هنری و اخلاق نیز صحه گذاشته است. تفاوت زیبایی مقید و آزاد در نوع غایتمندی ذهنی‌ای است که ایجاد می‌کنند (کلنت، ۱۳۹۲، صص. ۱۳۵-۱۳۸).

لازم است به یاد آورده شود که کانت در دقیقهٔ سوم ذیل بحث نسبت، زیبایی را به‌نوعی غایت‌مندی بدون غایت تعریف کرد. از نظر او، داوری یک شیء زیبا هیچ ارتباطی با غایات عینی (سودمندی) و درونی (کمال) ندارد و فقط با نسبت قوای مصوره با یکدیگر سروکار دارد. مراد از نسبت قوای مصوره همان حالت ذهنی یا هماهنگی آزاد قوای شناختی است.

اما غایت‌مندی بدون غایت چه معنایی دارد؟ چنانچه «تحقق ایده‌ها و غایت‌مندی ذهنی‌ای که از طریق امر زیبا به نمایش درمی‌آید، به‌رغم فراهم‌نکردن مفهومی مشخص و خاص از کثرات حسی برای قوای فاهمه و خیال، به گونه‌ای باشد که آن شیء زیبا همچنان برای قوای ذهنی غایت‌مند ادراک شود، از نوع غایت‌مندی بدون غایت است و در این حالت با زیبایی آزاد مواجهیم» (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۶)؛ یعنی ذهن کثرات حسی را نمی‌تواند زیرمجموعهٔ یکی از شابلون‌های فاهمه قرار بدهد و نامی دقیق روی آن بگذارد، اما ادراک کلی ذهن بر انسجامی معماگونه دلالت دارد و یک بازی آزاد قوای شناختی برای حل این معما جریان می‌یابد و همین تلاش برای ادراک معنای نامتعین امر زیبا لذت زیباشناختی ایجاد می‌کند.

به عبارت دیگر، وقتی یک شیء زیبا را بدون توجه به علایق، سودمندی آن (غایت بیرونی) و نحوهٔ محقق‌کردن نوع متعلق به آن (کمال یا همان غایت درونی) مدنظر قرار می‌دهیم، خیال و عقل ما در نوعی نسبت آزاد با هم قرار می‌گیرند که نتیجهٔ آن لذتی انتقال‌پذیر است. همین احساس لذت ناشی از هماهنگی آزاد حکلیت از نوعی غلیت‌مندی بدون غایت در شیء مدنظر دارد (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۸ به نقل از Savile, 2003, pp. 111-115).

از نظر کانت، زیبایی آزاد دلالت بر غایت‌مندی بدون غایت دارد و در مقابل، زمانی می‌توان از زیبایی مقید صحبت کرد که در داوری یک شیء، غایتی مشخص را مبنای داوری خود قرار دهیم. تفاوت زیبایی آزاد با زیبایی مقید از دیدگاه کانت، نوعی تفاوت در نگاه و رویکرد است و نه در متعلق آن نوع زیبایی‌ها (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۸).

داوری زیبایی وابسته چشم‌اندازی بهتر از قوانین را نه برای ذوق، بلکه برای اتحاد ذوق با عقل پیشنهاد می‌کند؛ برای مثال، اتحاد زیبا با خوب. بنابراین، زیبایی به عنوان ابزاری در رابطه با مفهوم خوبی قابل استفاده می‌شود، به منظور فراهم‌کردن حالتی از ذهن که خودش را حفظ می‌کند و مربوط به اعتبار کلی ذهنی آن هست (برای مثال، تجربهٔ امر زیبا)، برای حمایت آن حلت ذهنی که فقط از طریق تحلیل ذهنی دشوار نگه داشته می‌شود، اما به طور عینی دارای اعتبار کلی است (Guyer, 1990, p. 141).

«این قواعد ذوق نیستند، بلکه صرفاً قواعدی برای اتحاد ذوق با عقل، یعنی زیبایی با خیر، هستند». کانت در این عبارت‌ها صریحاً ادعا می‌کند زیبایی مقید می‌تواند مرتبط با عقل و خیر باشد. او همین نکته را در ادامهٔ بحث زیبایی مقید، ذیل بحث ایده‌آل زیبایی دنبال می‌کند (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۹).

زیبایی که برایش ایده‌آلی باید جست‌وجو شود، نمی‌تواند زیبایی مبهم باشد، بلکه باید به وسیلهٔ مفهومی از غایت‌مندی عینی ثبوت یافته باشد و در نتیجه، نباید به متعلق یک حکم ذوقی کاملاً محض، بلکه به متعلق یک حکم ذوقی قسماً عقلی‌شده تعلق داشته باشد (زیبایی مقید باشد). تعیین ایده‌آل برای اعیان طبیعی مانند چشم‌انداز، گل‌های زیبا، درختی زیبا و نیز دست‌ساخته‌های بشر مانند مسکنی زیبا تصورناپذیر است؛ زیرا غایت‌مندی آنها یا مبهم است یا آزاد، یعنی می‌توان کاربردی غیر از کاربرد تعیین‌شده برای آنها در نظر گرفت (کانت، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۰).

تنها موجودی که غایت وجودش را در خودش دارد که می‌تواند این غایات را به کمک عقل تعیین کند یا هرجا از بیرون این غایت را دریافت کند، باز قادر است آنها را با غایات کلی قیاس کند و این هماهنگی آنها را به نحو

تأملی و زیباشناختی داوری کند، انسان است. پس در میان تمام اشیای جهان، فقط همین انسان است که مستعد یک آرمان زیبایی است، همان‌طور که فقط انسانیت در شخص او، به مثابهٔ هوش، مستعد ایده‌آل کمال است؛ بنابراین، غایات انسانیت (امر اخلاقی) به مثابهٔ ایده‌ای عقلی، اصل داوری دربارهٔ شکل فرد قرار می‌گیرد (کانت، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۰-۱۴۱).

همهٔ چیزهای غایت‌مند زیبا هستند به شرط آنکه نقیصه‌ای در غایت‌مندی آنها نباشد؛ به این ترتیب، کلیسا زیبا است به شرط آنکه ایرادی در طراحی آن مانع از ستایش ما نشود. کانت دربارهٔ انسان تصور می‌کند هیچ نقیصهٔ فاحشی نمی‌تواند لحظات زیبا را آن‌گونه که کمال اخلاقی فرد در عمل، رفتار چهره و مانند اینها آشکار می‌شود، خدشه‌دار کند (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۹ به نقل از Savile, 2003, pp. 111-115). به این ترتیب، کانت معتقد است زیبایی مقید به دلیل لحاظ‌کردن غایت در فرایند داوری می‌تواند با اخلاق ارتباط داشته باشد (سلمانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۹).

٤- زیبایی طبیعی در برابر زیبایی هنری: تأثیر بر عمل اخلاقی

زیبایی طبیعی و هنری در فلسفهٔ کانت نقش‌هایی متفاوت در تقویت حس اخلاقی ایفا می‌کنند. زیبایی طبیعی، به دلیل بی‌علقگی و عدم وابستگی به مفاهیم انسانی، حس آزادی و هماهنگی عقل و عاطفه را تقویت می‌کند. برای مثال، تجربهٔ زیبایی یک غروب آفتاب می‌تواند حس شگفتی و تعالی را برانگیزد که به درک قانون اخلاقی کمک می‌کند (Kant, 1991, p. 97). گایر[1] استدلال می‌کند این حس آزادی به فرد امکان می‌دهد تا خود را فراتر از محدودیت‌های حسی ببیند که با خودآیینی اراده در فلسفهٔ اخلاق کلنت هم‌خوان است (Guyer, 1990, p. 141). در مقابل، زیبایی هنری معمولاً مقید است و به نیت هنرمند یا مفهوم اثر وابسته است. یک نقاشی که عدالت را به تصویر می‌کشد، می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را به صورت ملموس‌تر به مخاطب منتقل کند. این پیوند با مفاهیم اجتماعی، زیبایی هنری را به اخلاق اجتماعی نزدیک‌تر می‌کند تا اخلاق عقلانی محض[2] به گفتهٔ ونزل، زیبایی هنری می‌تواند به عنوان ابزاری برای آموزش اخلاقی عمل کند، اما این آموزش لزوماً به عمل اخلاقی منجر نمی‌شود؛ زیرا عمل اخلاقی به ارادهٔ خودآیین وابسته است (Wenzel, 2005, p. 120).

مقایسهٔ این دو نشان می‌دهد زیبایی طبیعی حس کلی آزادی را تقویت می‌کند، در حالی که زیبایی هنری با ایجاد پیوند با ارزش‌های اجتماعی، می‌تولند عمل اخلاقی را در بستر اجتماعی تسهیل کند. با این حال، هیچ یک به‌تنهایی نمی‌توانند عمل اخلاقی را تضمین کنند؛ زیرا در فلسفهٔ کانت، عمل اخلاقی فقط از اراده‌ای ناشی می‌شود که به قانون عقلانی پایبند است.

۵- زیبایی مقید: پلی به سوی اخلاق اجتماعی[3]

ونزل در *مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی کانت* استدلال می‌کند زیبایی مقید، به دلیل وابستگی به مفاهیم (مانند کمال یا هدف یک شیء)، با اخلاق اجتماعی پیوندی نزدیک‌تر دارد. برای مثال، یک تندیس که نمایانگر عدالت است، نه فقط به دلیل فرم زیبایی‌شناختی، بلکه به دلیل مفهوم عدالت، ارزشمند است. این پیوند مفهومی، زیبایی مقید را به ابزاری برای تقویت ارزش‌های اجتماعی تبدیل می‌کند (Wenzel, 2005, p. 137).

ونزل تمایز بین اخلاق عقلانی[4] و اخلاق اجتماعی[5] را برجسته می‌کند. اخلاق عقلانی به عمل بر اساس قانون اخلاقی عقلانی اشاره دارد، در حالی که اخلاق اجتماعی به ارزش‌های مشترک در یک جامعه مربوط است. زیبایی مقید، به ویژه در آثار هنری، می‌تواند اخلاق اجتماعی را تقویت کند؛ زیرا مفاهیم اخلاقی را در قالب ملموس ارائه

[1] Guyer
[2] Moralität
[3] Sittlichkeit
[4] Moralität
[5] Sittlichkeit

می‌دهد. برای مثال، یک اپرا که داستان فداکاری را روایت می‌کند، می‌تواند حس همدلی و مسئولیت اجتماعی را در مخاطب برانگیزد. با این حال، ونزل تأکید می‌کند این تأثیر زیبایی‌شناختی به‌تنهایی نمی‌تواند خودآیینی اراده را جایگزین کند (Wenzel, 2005, p. 125).

در مقایسه با زیبایی آزاد، زیبایی مقید به دلیل پیوند با اهداف انسانی، عمل اخلاقی را در بستر اجتماعی ملموس‌تر می‌کند. این دیدگاه با استدلال کانت دربارهٔ زیبایی به مثابهٔ نماد اخلاق هم‌خوان است، اما محدودیت‌هایی نیز دارد؛ زیرا تأثیر زیبایی مقید به زمینهٔ فرهنگی و تفسیر مخاطب وابسته است.

۶- زیبایی به مثابهٔ نماد اخلاق در کانت

کانت در *نقد قوهٔ حکم* (§۵۹) زیبایی را به عنوان نمادی از قانون اخلاقی معرفی می‌کند. آلیسون[1] استدلال می‌کند این نمادگرایی به دلیل شباهت ساختاری میان قضاوت زیبایی‌شناختی و قضاوت اخلاقی است: هر دو مستلزم هماهنگی قوای شناختی و بی‌علاقگی نسبت به منافع شخصی هستند (Allison, 2001). برای مثال، تجربهٔ زیبایی یک اثر هنری می‌تواند حس هماهنگی را برانگیزد که مشابه حس احترام به قانون اخلاقی است.

۷- ارزش اخلاقی لذت زیباشناختی حاصل از هماهنگی آزاد قوای شناختی

لذت زیباشناختی حاصل هماهنگی آزاد قوای شناختی است. هماهنگی آزاد قوا با یک تمثیل بهتر درک خواهد شد: «فاهمه و خیال مثل دو دوستی هستند که از هم بیزارند اما نمی‌توانند همدیگر را رها کنند، چون در یک پیکار مستمر زندگی می‌کنند و در عین حال، نمی‌توانند بدون یکدیگر کاری بکنند». با قبول مثال کانت، می‌توانیم بگوییم فقط در وضعیت زیباشناختی این پیکار به پایان می‌رسد، الزام از میان می‌رود و توافقی غیرجبری غلبه می‌یابد (هنریش، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۷).

از آنجا که تجربهٔ زیباشناختی حاصل لذت ناشی از هماهنگی قوای شناختی است، اگر ثابت شود این هماهنگی ارزش اخلاقی دارد، ارتباط اخلاق و زیبایی‌شناسی تفسیر خواهد شد. ابتدا باید ثابت شود هماهنگی قوای شناختی لذت‌بخش است. دو رویکرد به این مسأله وجود دارند: رویکرد شناختی و رویکرد ارزشی (حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).

رویکرد شناختی که در §§۹ و ۲۱ نقد *قوهٔ حکم* مطرح شده است، این مسأله را ثابت می‌کند که فقط از طریق احساس است که می‌توانیم این هماهنگی را درک کنیم، اما اینکه این احساس، لذت است و چگونه از سایر لذت‌ها متمایز است را به‌درستی نمی‌تواند توضیح دهد (راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۶–۱۲۸).

تفسیر ارزشی که با ایده‌های زیباشناختی مرتبط است، مبتنی بر این ادعای کلی مطرح‌شده در مقدمهٔ نقد سوم است که دست‌یابی به هر هدفی با احساس لذت قرین است. کانت باید ثابت کند ارزیابی زیباشناختی به عنوان حالت ناشی از هماهنگی آزاد، هدفی را محقق می‌سازد. او می‌گوید این هماهنگی برای قوهٔ حکم غایت‌مند است (راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۸–۱۳۰).

به طور خلاصه، این غایت‌مندی ناشی از ایجاد نظم زیباشناختی است و با تحقق این نظم، هدفی محقق شده است که با نظم مفهومی مشخص و واضحی که مفاهیم تجربی فراهم می‌کنند، متفاوت است. این نظم زیباشناختی، به این خاطر که هدفی را محقق می‌کند و تحقق هدف لذت‌بخش است، لذت‌بخش است.

کانت درصدد دفاع از این عقیده است که حالت ذهنی این هماهنگی هدف کلی ما از حکم را محقق می‌سازد. قوهٔ حکم، قوه‌ای است که با عملکرد قاعده‌بخش فاهمه، مجموعه‌ای از جزئیات را منظم می‌کند؛ اما نه هر نظمی، بلکه نظمی که به واسطهٔ ایده‌های زیباشناختی ایجاد شده است. لذت ناشی از این نظم طبق هیچ مفهومی نیست، بلکه بیانگر ایدهٔ زیباشناختی است (حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).

[1] Allison

کانت در بخش‌های پایانی معتقد است ارزیابی زیباشناختی همان تفسیر اعیان طبیعی یا هنری به عنوان ایده‌های زیباشناختی است؛ برای مثال، ما وقتی «آواز یک پرنده را به عنوان بیانگر شادی از وجود تفسیر می‌کنیم»، به همین نوع داوری دست می‌زنیم. کانت تا آنجا پیش می‌رود که در§۶۰ اعلام می‌کند: «ذوق اساساً قوه‌ای برای داوری محسوس‌سازی ایده‌های اخلاقی است و احساس ناشی از داوری اعیان به عنوان بیان‌کنندهٔ ایده‌ها چیزی جز لذت نیست» (راجرسون، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۲).

گفته شد، هماهنگی آزاد برای قوهٔ حکم غایت‌مند است (غایت بیان ایده‌ها یا سامان‌دادن کثرات حسی). کانت در دقیقهٔ سوم و چهارم مطرح کرده است لذت ذوقی باید در امر غایت‌مند ذهنی یافت شود؛ بنابراین، بحث بیان ایده‌ها با بخش‌های آغازین نقد قوهٔ حکم سازگار است و شاید شرح و بسط آن باشد (راجرسون، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۲).

«کانت ادعا می‌کند ما هدف حکم را محقق می‌سازیم وقتی اعیانی را می‌یابیم که به واسطهٔ ایده‌ای زیباشناختی منظم شده‌اند». گفتنی است، در دیدگاه منسجم کانت، نظم ارائه‌شده به وسیلهٔ ایدهٔ زیباشناختی متفاوت از آن نظمی است که مفهومی مشخص و معین برای کثرت فراهم می‌کند. در اندیشهٔ وی، ایده‌ها و مفاهیم در قلمرو تصورات از هم متمایز هستند. او توضیح می‌دهد ایدهٔ زیباشناختی «تصوری از قوهٔ متخیله است که اندیشه‌های بسیاری را سبب می‌شود، بی‌آنکه هیچ لندیشهٔ معینی، یعنی هیچ مفهومی، بتواند با آن تکافو کند» (Kant, 1991, p. 193).

منظور کلنت که در متن یادشده چندان هم روشن نیست، آن است که برخی از مفاهیم چنان بزرگ و پیچیده هستند که مفاهیم تجربی معمولی نمی‌توانند آنها را نشان دهند؛ اما اعیان زیباشناختی می‌توانند چنین مفاهیمی را به واسطهٔ تشویق «خیال به گسترانیدن خود در کثرت تصورات مربوط بیان کنند. این ایده‌ها به شخص اجازه می‌دهند تا بیشتر از آن چیزی که می‌تولند در یک مفهوم معین با کلمات بیان کند، مورد تفکر قرار دهد» (راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۲-۱۳۳).

از آنجا که هدف این نوشتار کشف ارتباط زیبایی هنری و مسیر اخلاقی فرد در زندگی است، گریزی می‌زنیم به بیان ایده‌ها در زیبایی‌های هنری. زیبایی هنری به واسطهٔ نبوغ هنرمند می‌تواند بیانگر ایده‌ها باشد؛ زیرا «۴۹§ تا اندازهٔ زیادی اختصاص به توضیح این مسأله دارد که نبوغ هنری می‌تواند آثاری را سامان دهد که بیانگر ایده هستند. باید ادعا کرد می‌توان اعیان طبیعی را نیز بیانگر تفسیر کرد، باز هم شبیه تفسیر آواز پرنده به عنوان شادمانی (حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

نظریهٔ ایده‌های زیباشناختی می‌تولند این مسأله را تبیین کند که چرا هماهنگی آزاد لذت‌بخش است؛ زیرا ارزیابی زیبایی به عنوان بیانگر ایده‌ها بیانگر نمونه‌ای از هماهنگ‌سازی آزادانهٔ خیال و فاهمه است و از آنجا که بیان ایده‌ها هدف قوهٔ حکم (نظم‌دادن به کثرات حسی و ایجاد غایت‌مندی ذهنی) را تحقق می‌بخشد، طبق اصل لذت‌بخش‌بودن تحقق هدف، لذت‌بخش است. پس هماهنگی آزاد نیز لذت‌بخش است (حسینی، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۱-۱۳۴).

حال باید ثابت شود لذت زیباشناختی به لحاظ اخلاقی ارزشمند است. می‌توان در زیبایی بیان مفاهیمی را یافت که به شیوه‌ای دیگر نمی‌توانند ارائه شوند. کانت معتقد است «عقل دوست دارد ایده‌ها دارای واقعیتی عینی باشند» (Kant, 1991, pp. 180, 300) و در نهایت، ما برآورده‌شدن این علاقه را در تأمل زیباشناختی لذت‌بخش می‌یابیم (راجرسون، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵).

راجرسون معتقد است تفسیر قانع کننده از ارتباط میان زیبایی و اخلاق باید بتواند دو خصوصیت جدی دیدگاه کلنت را با همدیگر جمع کند. باید بتوان گفت لذت ذوق نوعی لذت ناشی از غایت‌مندی ذهنی است (دقیقهٔ سوم احکام زیباشناختی) و این لذت به لحاظ اخلاقی ارزشمند است (حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴). بیان ایدهٔ زیباشناختی نوعی غایت‌مندی ذهنی است (زیرا ذهن است که عالم را این‌گونه تفسیر می‌کند، شاید در واقع این‌گونه نباشد) که به طور معقول لذت ذوقی را شرح می‌دهد (راجرسون،

۱۳۹۴، ص. ۱۳۵). بنابراین، لذت ذوقی ناشی از غایت‌مندی ذهنی است. اکنون باید به این موضوع توجه داشت که چرا هماهنگی آزاد لذت‌بخش است یا چرا لذت ناشی از غایت‌مندی ذهنی (که مبنای لذت ذوقی است) دارای ارزش اخلاقی است. کانت ادعا می‌کند بیان ایده‌های زیباشناختی مهم است؛ مهم است که آنها دارای واقعیت عینی باشند یا مهم است که از نمود یک واقعیت عینی برخوردار باشند. علاوه بر این، بیان ایده‌ها مهم است؛ زیرا ما را با فوق محسوس یا حتی فرومایهٔ فوق محسوس انسانیت مرتبط می‌کند. پس به معنای دقیق، ارزیابی اعیان به عنوان بیانگر ایده‌ها، غایت‌مندی ذهنی را برای حکم ایجاد می‌کند و این امر برای طبیعت فوق محسوس ما جذاب است. این طبیعت فوق محسوس همان زیربنای حیات اخلاقی ماست (حسینی، ۱۳۹۵، صص. ۶۴-۶۵ برگرفته از راجرسون، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۶).

طبق شرح آلیسون، علت این امر این است که از آنجا که فرولایهٔ (یا طبیعت) فوق محسوس، گذر از طبیعت به آزادی را امکان‌پذیر می‌کند و به عملی‌شدن غایات اخلاقی در جهان محسوسات کمک می‌کند، طبیعت فوق محسوس همان زیربنای حیات اخلاقی ماست. این مطلب شرحی است برای آنچه کانت در §۶۰ اعلام می‌کند که «ذوق اساساً قوه‌ای برای داوری محسوس‌سازی ایده‌های اخلاقی است و احساس ناشی از داوری اعیان به عنوان بیان‌کنندهٔ ایده‌ها چیزی جز لذت نیست» (سلمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۲ به نقل از Kant, 1991, pp. 192, 314, 366).

گفته شد، بیان ایده‌های زیباشناختی زیربنای حیات اخلاقی ماست. این امر نیاز به توضیح دارد. پیش از این، در نقد عقل محض، کانت شرح داده است تجربه تابع ایده‌های عقلانی نیست. هر شیء مورد تجربه برای قوهٔ حکم تعینی غایت‌مند هست، اما مطابق با ایده نیست. در فلسفهٔ انتقادی، برای این اعتقاد که می‌توان به واسطهٔ یک ایده (مانند امر مطلق) عمل کرد، نه فقط دلیلی وجود ندارد، بلکه حتی در وهلهٔ نخست می‌توان ادعا کرد چنین اعمالی غیرممکن هستند (راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۶-۱۳۷).

اما برای انجام فعل اخلاقی، طبیعت باید مطابق با ایده‌ها باشد. اینجا نقش ایده‌های زیباشناختی مشخص می‌شود؛ زیرا بر اساس این ایده‌هاست که می‌توان عالم را تابع ایده‌های خود توصیف کرد. تحقق‌پذیری ایده‌ها در عالم که با فوق محسوس مرتبط است، نه با تجربه، برای انجام فعل اخلاقی ضروری است؛ زیرا شرط عمل اخلاقی این است که طبیعت می‌تواند محصول قصدمندی ما - یا همان ایده‌های ما - باشد[1]؛ بنابراین، نقش اخلاقی زیباشناسی روشن می‌شود. ما به عنوان عوامل اخلاقی باید به طبیعتی علاقه‌مند باشیم که تابع تحقق ایده‌های ماست (برگرفته از راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۷-۱۳۶).

مشاهدهٔ اعیان به عنوان بیان ایده‌ها می‌تواند عمق بیشتری به دغدغهٔ اخلاقی و محوری کانت در نظریهٔ زیباشناختی‌اش بدهد؛ یعنی ارزیابی زیباشناختی ما را از این واقعیت آگاه می‌کند که به طور کلی، عالم تابع ایده‌ها و اگر خوش‌بین باشیم، به طور خاص، تابع ایدهٔ مطلق قانون اخلاقی است (راجرسون، ۱۳۹۴، صص. ۱۴۰-۱۴۱).

۸- محدودیت‌های دیدگاه کانت

اگرچه کانت زیبایی را به عنوان پلی میان طبیعت و آزادی معرفی می‌کند، دیدگاه او محدودیت‌هایی نیز دارد. نخست، تأکید کانت بر بی‌علقگی زیبایی‌شناختی ممکن است تنوع فرهنگی در تجربهٔ زیبایی را نادیده بگیرد. برای مثال، در برخی از فرهنگ‌ها، زیبایی هنری به‌شدت با ارزش‌های دینی یا اجتماعی پیوند دارد که با مفهوم بی‌علقگی کانت سازگار نیست. دوم، کانت توجه کافی به نقش عاطفی زیبایی در انگیزه‌بخشی به عمل اخلاقی ندارد. به گفتهٔ ماحوزی، این محدودیت می‌تواند

---

[1] بحث قدیمی جبر و اختیار در فلسفهٔ اسلامی، در فلسفهٔ غرب به نوع دیگری مطرح شده است؛ به گونهٔ گذر از طبیعت به آزادی؛ عالم طبیعت محصول قصدمندی ما باشد؛ یعنی اختیار و آزادی داشته باشیم. راه‌حلی که این گذر را ممکن می‌کند ایده‌های زیباشناختی است. در فلسفهٔ اسلامی گفته می‌شود در پاره‌ای از امور اختیار داریم و در اموری هم جبر حاکم است.

تحلیل کانت را از واقعیت‌های اجتماعی دور کند (ماحوزی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۵).

۹- پیچیدگی رابطهٔ زیبایی و اخلاق

اما چرا رابطهٔ زیبایی و اخلاق در فلسفهٔ کانت این‌قدر پیچیده است؟ ابتدا هر گونه تأثیر اخلاق بر حکم زیباشناختی انکار می‌شود، بعد به مشابهت روند داوری‌های اخلاقی با داوری‌های زیباشناختی پی برده می‌شود و در نهایت، ضرورت وجود ساحت زیباشناختی و حوزهٔ نقد قوهٔ حکم برای تحقق‌یافتن ایده‌های عقلانی و بالاتر از آن، گذر از طبیعت به آزادی مطرح می‌شود و انسجام و پیوند نقد عقل محض و نقد عقل عملی در یک عالم، بدون وجود حوزهٔ نقد قوهٔ حکم و زیبایی‌شناسی میسر نخواهد بود. ارزیابی زیباشناختی ما را از این واقعیت آگاه می‌کند که عالم تابع ایده‌های ما و چه‌بسا ایدهٔ مطلق قانون اخلاقی است و تحقق‌پذیری ایده‌ها در عالم که با فوق محسوس مرتبط است، برای انجام فعل اخلاقی ضروری است. به بیان دیگر، ادراک ایده‌های زیباشناختی در آثار هنری و طبیعت شرط لازم برای فعل اخلاقی هست؛ اما شرط کافی نیست.

رابطهٔ زیبایی و اخلاق در فلسفهٔ کانت در سطوحی مختلف بررسی شده است. در نگاه اول، از دیدگاه یک فرد که می‌خواهد حکم به زیبا بودن یا نبودن یک شیء بدهد، مهم است که او تحت تأثیر قضاوت‌های اخلاقی این حکم را صادر نکند. در سطح بعدی، در مقام یک تحلیل فلسفی، داوری اخلاقی و داوری زیباشناختی هر دو این ویژگی را دارند که بی‌علقه هستند؛ لذت شخصی در آنها نقشی ندارد، رنگ و بوی ایده‌های عقلانی را دارند، دستورات اخلاقی مستقیماً از ایده‌های عقلانی تبعیت می‌کنند، ولی ایده‌های زیباشناختی نمود یا شهودهایی نامتعین از ایده‌های اخلاقی هستند و در نهایت، فلسفهٔ نقادی کانت بدون نوشتن نقد قوهٔ حکم ناقص می‌ماند؛ زیرا باید ثابت می‌کرد که فرد می‌تواند تأثیر طبیعت و غریزه را کنار بزند و تحت تأثیر ایده‌های عقلانی در جهان طبیعت زندگی کند. کانت غایت جهان را انسان اخلاقی می‌داند و در تحقق این غایت، قوهٔ حکم تأملی با تحقق ایده‌ها و غایتمندی بدون غایت، نقشی مهم ایفا می‌کند.

۱۰- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد در فلسفهٔ کانت، زیبایی هنری جایگاهی دوگانه دارد. از یک سو، به واسطهٔ ویژگی «زیبایی مقید» و توان آثار هنری در بیان ایده‌ها از طریق نبوغ هنرمند، می‌تولند ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی را عینیت بخشد و در سطح فردی و اجتماعی، زمینهٔ تقویت حس اخلاقی را فراهم کند. نظریهٔ ایده‌های زیباشناختی نیز نشان می‌دهد هماهنگی آزاد خیال و فاهمه در داوری زیبایی نه فقط منشأ لذت است، بلکه با غایت‌مندی عقلانی و در نتیجه با ارزش اخلاقی نیز پیوند دارد. از سوی دیگر، زیبایی طبیعی حس آزادی و رهایی از منافع را در انسان برمی‌انگیزد و عقل را به نسبت‌دادن ایده‌های خود به نمودهای طبیعت ترغیب می‌کند؛ امری که درک غایت‌مندی جهان و امکان قانون اخلاقی را تقویت می‌کند.

با این حال، تجربهٔ زیباشناختی نزد کانت هرچند بستر درک و انگیزش اخلاقی را فراهم می‌کند، شرط کافی برای تحقق عمل اخلاقی نیست؛ زیرا کنش اخلاقی بر خودآیینی اراده و تبعیت از قانون عقلانی استوار است. به این ترتیب، زیبایی هنری را می‌توان میانجی یا نمادی از اخلاق دانست که ذهن را در مسیر تأمل و آمادگی اخلاقی قرار می‌دهد، بی‌آنکه الزاماً به عمل اخلاقی بینجامد. این نتیجه راه را برای پژوهش‌های آینده در تبیین نقش محیط‌ها و آثار هنری در پرورش حساسیت و آموزش اخلاقی، و نیز در مقایسهٔ کارکرد زیبایی هنری و طبیعی در فلسفهٔ کانت هموار می‌کند.

منابع

راجرسون، کنت اف. (۱۳۹۴). *زیبایی‌شناسی کانت: هماهنگی آزاد خیال و فاهمه* (علی سلمانی، مترجم). تهران: فرهنگستان هنر.

کانت، ایمانوئل (۱۳۹۲). *نقد قوهٔ حکم* (چاپ هفتم؛ چاپ اولیه: ۱۳۷۷؛ عبدالکریم رشیدیان، مترجم). تهران:

نشر نی.

سلمانی، علی، و شاملو، غلامرضا (۱۳۹۱). نسبت اخلاق و زیبایی‌شناسی در اندیشهٔ شیلر. *کیمیای هنر*، *۱*(۳)، ۴۵-۶۰.
http://kimiahonar.ir/article-1-40-fa.html

سلمانی، علی (۱۳۹۲). *مفهوم ذوق هنری در سنت زیبایی‌شناسی تجربه‌گرا در قرن هجدهم*. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکدهٔ هنر.

سلمانی، علی (۱۳۹۴). رابطهٔ زیبایی با اخلاق در زیباشناسی کانت. *متافیزیک*، *۷*، ۶۵-۸۰.

Mahouzi, R. (2009). The critique of judgment and the transition from nature to freedom in Kant's philosophy. *Shenakht*, *2*(1). https://kj.sbu.ac.ir/article_97464.html [In Persian].

Rogerson, K. (2008). *The problem of free harmony in Kant's aesthetics* (A. Salmani, Trans.). Tehran: Art Academy. [In Persian].

Salmani, A. (2013). *The concept of artistic taste in the empiricist aesthetic tradition of the eighteenth century*. Tehran: Iranian Academy of Arts, Art Research Institute. [In Persian].

Salmani, A., & Shamloo, G. (2012). The relationship between ethics and aesthetics in Schiller's thought. *Kimia-ye Honar*, *1*(3), 35–46. http://kimiahonar.ir/article-1-40-fa.html [In Persian].

Savile, A. (2003). Kant and the ideal of beauty. In J. Luis & S. Gardner (Eds.), *Art and morality*. Routledge.

Wenzel, C. H. (2005). *An introduction to Kant's aesthetics: Core concepts and problems*. Blackwell Publishing.

https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20088086.1394.7.20.4.4

حسینی، رضوانه السادات (۱۳۹۵). *نسبت زیباشناسی و خیر اخلاقی در نقد قوهٔ حکم کانت* [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا].

ماحوزی، رضا (۱۳۸۸). نقد قوهٔ حکم و گذر از طبیعت به آزادی در فلسفهٔ کانت، *شناخت*، ۲ (۱).
https://kj.sbu.ac.ir/article_97464.html

هنریش، دیتر. (۱۳۸۲). تبیین کانت از داوری زیباشناختی (مجید ابوالقاسم‌زاده، مترجم). *زیبا شناخت*، *۱۰*، ۱۲۳-۱۴۰.
https://ensani.ir/fa/article/3965

References

Allison, H. E. (2001). *Kant's Theory of Taste*. Cambridge University Press. https://doi.org/10.1017/cbo9780511612671

Hoseini, R. S. (2016). *How Kant's theory in critique of judgment underpins the relationship between beauty and morality* [Master's thesis, Bu-Ali Sina University]. [In Persian].

Guyer, P. (1990). Feeling and freedom: Kant on aesthetics and morality. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, *48*(2), 137–146. Blackwell Publishing on behalf of the American Society for Aesthetics. https://www.jstor.org/stable/430903

Henrich, D. (2003). Kant's explanation of aesthetic judgment (M Abolghasemzadeh, Trans,). *Ziba Shenakht*, *10*, 123–140. https://ensani.ir/fa/article/3965 [In Persian].

Kant, I. (1991). *The critique of judgment* (J. C. Meredith, Trans.). Oxford University Press.

Kant, I. (2013). *The critique of judgment* (7th ed.; 1th print: 1998; A. K. Rashidian, Trans.). Tehran: Nay Publishing House. [In Persian].